

یادداشت

کجاست آدمیت؟



کمال‌الدین پیروژف  
نماینده اسبق مجلس

دنیایی که امروز حقوق بشر و حق حاکمیت مردم بر سرنوشت‌شان را می‌ستاید، چگونه است که در برابر کشتار بی‌رحمانه فلسطینیان و کودکان آنان به‌دست سربازان غاصب اسرائیل و جنگنده‌های جانبی آنان و پایمال شدن مطلق حق حاکمیت یک ملت در موطن خود، دچار لکتت زبان و نارسایی اقدام شده است؟ چگونه است مفاهیم انسانیت، صلح، آزادی و دموکراسی حق تعیین سرنوشت به‌عنوان حقوق اولیه که، نه، حق زنده بودن و زندگی کردن فلسطینیان در غزه و کشور فلسطین و سرزمین‌های اشغالی نادیده گرفته می‌شود؟ چرا و چگونه جهان غرب خاصه انگلیس، آلمان، فرانسه و به‌ویژه آمریکای پرمدا، در برابر این ظلم‌ها و جنایات گسترده آشکار و نسل‌کشی نه تنها خوشبخت‌دار بلکه جانبدار و به کمک ظالمان و جنایتکاران شافته‌اند؟ انسانیت و آدمیت ایجاب می‌کند همه ملت‌ها و جهانیان خصوصاً مسلمانان و به‌ویژه کشورهای عربی و اسلامی، به هر طریق ممکنه به یاری مردم ستم‌دیده و در حال شهید شدن فلسطینی بشتابند و با متحول کردن اذهان بیمار حاکمان سلطه‌طلب جانی و غرب و آمریکا، اهتمام لازم معمول دارد. شوق که آنان هم صرفاً به‌فکر منافع ملی خودشان هستند و بس. کجاست وجدان پاک جهانیان؟ نمی‌توان اسم انسان به خود نهاد و شاهد این همه کشتار بشر و کودکان بود و سکوت کرد. دموکراسی آمریکا و اروپا، چیزی جز یک جانب‌نگری و پرستش دلار نیست. بی‌تردید این خون‌های مظلوم، جان همهٔ جانانان و جانبداران و حامیان آنان را خواهد گرفت. فلسطینیان مظلوم، بیش از جنایت وحشتناک رژیم صهیونیستی، از هبوطش یا حاکمان کشورهای عربی اسلامی آسیب‌دیده و می‌بینند... سکوت کشورها، تباهی‌ها را در جهان به‌طور عام و در خاورمیانه و فلسطین به‌طور خاص بیشتر و بیشتر می‌کند. ای دو صد وای بر حاکمان دول عربی! خانم اوربانا فلاچی جملهٔ معروفی دارد که «زندگی جنگ است و دیگر هیچ». البته برای فلسطینی‌ها، ظاهراً با زندگی هم همیشگی است! چرا خودمان را گول بزینم، دارند همهٔ فلسطینیان را قتل عام می‌کنند؟! فاجعهٔ انسانی در ناکی در پیش چشم همهٔ جهانیان، دارد اتفاق می‌افتد. کارنامهٔ آمریکا و اسرائیل و مزدوران آنان در خاورمیانه، آکنده از ظلم و جنایات و کشتار کودکان و مظلومان است. ملل آزادهٔ محدود دنیا، اجازهٔ توفیق و سلطه اسرائیل و آمریکا را در صحنهٔ خونبار غزه و فلسطین به جهانیان ندهند و تهاجم یزیدیان زمان را برنمایند. دل بستن به حاکمان مزدور و یا دنیاطلب کشورهای عربی، خیالی خام است. سینه مالمال درد است، ای دریغ‌مهرمی، بدون تردید اگر ادارهٔ امور جهان به صاحبان فرهنگ و آگاهار می‌شد، دنیای امروز ما، دنیای صلح و سلم و دوستی بود. اخلاق را بایستی در جهان و خاورمیانه احیا کرد.

خبر

فدا حسین مالکی مطرح کرد:

تشکیل سازمان مهاجرین

یک نماینده مجلس یازدهم درباره آخرین وضعیت بررسی ساماندهی مهاجران و اتباع خارجی گفت: با توجه به اینکه کشور ما از لحاظ موقعیت جغرافیایی ماهیت مهاجرپذیری دارد یک کار مشترک بین دولت و مجلس صورت گرفت که با نظر آقای رئیس‌جمهور اداره‌اتبع که زیر نظر وزارت کشور است، به سازمان مهاجرین تبدیل شود که از یک انسجام بیشتری بین دستگاه‌های ذی‌ربط برخوردار باشد. فداحسین مالکی خاطر نشان کرد: بحث‌های زیادی مطرح شد و یکی از بحث‌ها این بود که این سازمان زیر نظر رئیس‌جمهور و به عنوان معاونت باشد؛ نهایتاً نظر ما در کمیسیون امنیت ملی و کمیسیون‌های ذی‌ربط و خود دولت بر این بود با توجه به ماهیت کاری خود وزارت کشور و مسئولیت‌های بالایی که دارد و هم به جهت اینکه وزیر کشور رئیس شورای امنیت کشور هستند و هم به لحاظ اینکه ارتباط مستقیم با پلیس و دستگاه‌های امنیتی دارد، این سازمان زیر نظر وزیر کشور باشد تا از ظرفیت بالایی برخوردار باشد. نماینده مردم زاهدان در مجلس شورای اسلامی بیان کرد: ما در عمل برخی از مسائل خاص قانونی وجود دارد که با استناد به قوانین گذشته بعضی دستگاه‌ها روی موضوعات خاصی بحث داشتند که قرار شد بعد از این که برنامه هفتم در مجلس مصوب شد، این مسائل در کمیسیون‌های ذی‌ربط با حضور دستگاه‌های امنیتی و سیاسی و بقیه دستگاه‌های کشور مطرح شود تا در آنجا از یک غنای لازم برخوردار باشد. سفیر سابق ایران در افغانستان اظهار کرد: با بیان اینکه در کشور ما در خصوص برخی از اتباع مخصوصاً اتباع افغانستانی و علی‌الخصوص بعد از اتفاقاتی که در افغانستان افتاد و با وجود جریانی که در رأس آن کشور قرار گرفت، نگرانی‌هایی وجود دارد، عنوان کرد: ابتدا حضور بی‌رویه افغانستانی‌ها را به داخل کشورمان داشتیم که حساسیت‌ها و نگرانی‌هایی بین مردم به وجود آمد و باید گفت البته این نگرانی‌ها و حساسیت‌ها بین مردم درست بود و همین حساسیت هم در میان مقامات کشور به وجود آمد تا هر چه سریع‌تر طرح ساماندهی به صورت بهتر اجرا شود. وی افزود: طرح ساماندهی اتباع بیگانه در وزارت کشور اجرا و خوبی توسط استانداری‌ها و فرمانداری‌ها پیگیری می‌شود. همچنین یک برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدتی صورت می‌گیرد که هم بشود از ظرفیت‌ها و فرصت‌های مهاجرین استفاده کرد و هم اینکه از تهدیدهای احتمالی جلوگیری شود و اساساً تشکیل سازمان مهاجرین بر این پایه صورت گرفت. این عضو مجمع نمایندگان استان سیستان و بلوچستان در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: از سوی مرزبانان و نیروی انتظامی کشورمان به خوبی مسلط بر مسائل استان‌های مرزی هستند تا هر گونه تردد غیرقانونی جلوگیری شود. همچنین یک تصمیماتی هم در وزارت کشور گرفته شده تا همه‌اتباع ساماندهی شوند و افرادی که خارج از استانداردهای سازمان باشند از کشور طرد شوند.

حسین انصاری‌راد در گفت‌وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد:

لزوم تغییر رویکردها و استراتژی‌ها

بزرگ‌ترین تکلیف مسئولان  
جلب رضایت مردم است

تکلیفی که مردم را فقیر کند،  
ضروری نیست



آرمان ملی - احسان انصاری: چالش‌ها و بحران‌ها بزرگ‌تر از اراده دولت سیزدهم است. این نکته را به خوبی می‌توان از عملکرد دولت در بیش از دو سال گذشته متوجه شد. اگر چه رئیس‌دی در ایام انتخابات همواره به تغییر وضعیت مردم تأکید داشت و عنوان می‌کرد مشکلات را حل خواهیم کرد اما در عمل تاکنون چنین اتفاقی رخ نداد. به نظر می‌رسد جامعه ایران با بحران‌های مهمی مواجه است که یک‌شبه به وجود نیامده و حل آنها نیز یک شبه تحقق پیدا نخواهد کرد. اینکه دولت رئیسی قصد دارد با این بحران‌ها به چه صورت برخورد کند مسأله‌ای است که در آینده مشخص خواهد شد. «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع با حجت‌الاسلام حسین انصاری‌راد، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی و فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت‌وگو کرده است. انصاری‌راد معتقد است: «تا زمانی که برخی رویکردها تغییر نکنند دولت آقای رئیسی نمی‌تواند مشکلات را حل کند. اگر قرار است وضعیت مردم تغییر کند باید استراتژی‌هایی که در سال‌های اخیر مورد استفاده قرار گرفته تغییر کنند. در شرایط کنونی جامعه ایران با بحران‌ها و چالش‌های متعددی مواجه است. به همین دلیل نیاز بود دولت از افرادی در کابینه خود استفاده کند که از تجربه و تخصص کافی برای مدیریت بحران‌ها برخوردار باشند.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

مهم‌ترین دلایل تداوم مشکلات اقتصادی مردم در سال‌های اخیر چیست؟

انتخابات ریاست‌دست ماندن انتخابات گذشته نبود و بسیاری از پیروزی رسیده مانند انتخابات گذشته نبود و بسیاری از شخصیت‌های مطرح و طراز اول درصالحیت شدند. از سوی دیگر میزان مشارکت مردم در این انتخابات نیز نسبت به ادوار گذشته انتخابات پایین بود. انتخابات گذشته یک بازی یک‌طرفه بود. در بازی یک‌طرفه نیز برنده واقعی و حقیقی وجود ندارد. در چنین شرایطی مدیرانی برای اداره کشور انتخاب شدند که در چنین فضای حرکت می‌کنند. هدف این گروه این بود که قدرت در اختیار یک جریان خاص قرار بگیرد و آنچه فکر می‌کنند درست است را بدون هیچ مانعی انجام دهند. بنیاد جمهوری اسلامی، قانون اساسی و اندیشه‌های حضرت امام(ره) اراده ملت است و امام تأکید زیادی داشتند که اراده ملت از همه چیز مهم‌تر است. در انقلاب سال ۵۷ آنچه تعیین‌کننده بود اراده ملت بود. از انتخابات ادوار گذشته از ابتدای انقلاب تاکنون نیز مردم مشارکت داشتند و امیدوار بودند گردونه انقلاب و انتخابات در مسیر خود حرکت خواهد کرد. اما شرایط به شکلی است که در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری اخیر تنها یک جریان سیاسی در انتخابات حضور داشت و جریان‌های دیگر عملاً در انتخابات حضور نداشتند. استدلال این افراد نیز این بود که بدون هیچ‌گونه مزاحمتی گره از کار مردم باز کنند. این در حالی است که چنین اتفاقی رخ نداده و مشکلات اقتصادی مردم نه تنها کمتر نشده و بلکه بیشتر نیز شده است.

چرا مشکلات اقتصادی بیشتر شده است؟

واقعیت این است که در دهه‌های گذشته سیاست خارجی ما در برخی حوزه‌ها به مشکل خورده است. یکی از شعارهای اصلی ما در سیاست خارجی دشمنی با آمریکا و محور اسرائیل است. دشمنی با آمریکا به شکلی که برخی فکر می‌کنند، نیست. اگر چه این واقعیت غیرقابل کتمان است که اسرائیل یک رژیم غاصب و جنایتکار است و جنایت‌های آن را این روزها در غزه می‌بینیم و آمریکا نیز ذاتاً سلطه‌جو و مستکبر است. من منکر این موضوع نیستم که آمریکا سالیان زیادی در این کشور سلطه‌جویی کرده و از منابع کشورمان سوءاستفاده کرده است. آمریکا مسبب کودتای ۲۸ مرداد در ایران بود. آمریکا یک دولت سلطه‌جو است؛ در گذشته بوده و امروز هم هست. اما آیا منطقی است که با مقابله با آمریکا اساساً رادر خطر قرار بدهیم؟ از نظر فقهی یک تکلیف تنها با داشتن سه شرط محقق خواهد شد. نخستین شرط یک تکلیف «امکان» است. یعنی انسان و جامعه مکلف به تکلیفی نیستند که امکان تحقق آن وجود ندارد. در روایات نیز ذکر شده‌اند ناممکن قابل تکلیف نیست. شرط دوم این است که فساد در آن وجود نداشته باشد. تکلیفی که ملت را فقیر کند برای هیچ فرد و جامعه‌ای ضروری

نیست. شرط سوم یک تکلیف این است که نباید در تعارض با «هم» باشد. ما باید به شکلی تکلیف خود را انجام بدهیم که تکالیف بالاتری وجود نداشته باشد.

در شرایط کنونی تکلیف «هم» در جامعه چیست؟

مهم‌ترین تکلیف این است که رضایت مردم در زمینه‌های مختلف و به‌خصوص اقتصادی جلب شود. امروز بزرگ‌ترین تکلیف مسئولان جمهوری اسلامی این است که رضایت مردم را جلب کنند. اقتدار جمهوری اسلامی به اعتماد و رضایت مردم است. مردم باید از مدیریت جامعه‌راضی باشند. سؤال اینجاست که در شرایط کنونی از مدیریت جامعه رضایت دارند؟ آیا ما باید در شرایطی زندگی کنیم که اغلب مردم زیر خط فقر زندگی کنند و مردم ما از برآورده کردن ضروریات زندگی خود ناتوان باشند؟ وضعیت بد زندگی مردم برخلاف تکلیف شرعی است که بر عهده مدیریت جامعه قرار دارد. سرمایه‌های انسانی که به دلیل عدم شرایط مناسب از کشور مهاجرت می‌کنند و در کشورهای خارجی زندگی می‌کنند باید به کشور برگردند و در راستای خدمت به کشور و مردم خود مورد استفاده قرار بگیرند. چرا میزان مهاجرت نخبگان در سال‌های اخیر نسبت به گذشته افزایش چشمگیری داشته است؟ ما باید کاری کنیم که ایران نمونه یک دموکراسی، قانونمند و یک کشور اخلاقی و معنوی باشد. ودهه ما در انقلاب اسلامی این بود و قرار بود چنین اتفاقی در آینده رخ بدهد. اصل یک قانون اساسی جمهوری اسلامی استقرار نظام جمهوری اسلامی را به رأی قاطع مردم استناد می‌کند. در اصل ۵۹ این قانون آمده که خداوند سرنوشت اجتماعی انسان را به خود وی واگذار کرده است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی و اسلامی را به هیچ بهانه‌ای از مردم بگیرد.

اصلاح رویکردها نیازمند چه الزاماتی است؟

امروز در شرایطی قرار گرفته‌ایم که مردم از مدیریت اقتصادی و برخی امور اجتماعی ناراضی و انتقاد دارند. به همین دلیل نیز نسبت به موضوعات مختلف معترض هستند. قرار بود ایران اسلامی کانون معنویت، اخلاق و دموکراسی باشد. اسلام نیز در چارچوب آزادی زنده است. خشونت در چارچوب اسلام رحمانی جایگاهی ندارد. پیامبر اسلام(ص) پس از فتح مکه خانه ابوسفیان را که دشمن اصلی ایشان بود خانه امن قرارداد و اجازه نداد کسی به خانه وی تعدی کند. جنگ‌هایی که پیامبر اسلام انجام دادند همگی دفاعی است و ایشان هیچ‌گاه دستور حمله و یا آغاز جنگی را صادر نکردند. در قرآن مجید نیز هیچ جنگ ابتدایی وجود ندارد.

دولت آقای رئیسی چگونه می‌تواند از بحران‌های موجود در جامعه عبور کند؟

واقعیت این است که تا زمانی که رویکردهایی که به آن

اقتدار جمهوری اسلامی به اعتماد

و رضایت مردم است. مردم باید از مدیریت جامعه‌راضی باشند. سؤال اینجاست که در شرایط کنونی از مدیریت جامعه رضایت دارند؟ آیا ما باید در شرایطی زندگی کنیم که اغلب مردم زیر خط فقر زندگی کنند و مردم ما از برآورده کردن ضروریات زندگی خود ناتوان باشند؟ سرمایه‌های انسانی که به دلیل عدم شرایط مناسب از کشور مهاجرت می‌کنند و در کشورهای خارجی زندگی می‌کنند باید به کشور برگردند و در راستای خدمت به کشور و مردم خود مورد استفاده قرار بگیرند.

اشاره کردم تغییر نکنند دولت نمی‌تواند مشکلات را حل کند. اگر قرار است وضعیت مردم تغییر کند باید استراتژی‌هایی که در سال‌های اخیر مورد استفاده قرار گرفته تغییر کند. در شرایط کنونی جامعه ایران با بحران‌ها و چالش‌های متعددی مواجه است. به همین دلیل نیاز است دولت از افرادی در کابینه خود استفاده کند که از تجربه و تخصص کافی برای مدیریت بحران‌ها برخوردار باشند. برخی از افرادی که امروز در دولت حضور دارند دارای کارنامه موفقی در گذشته نیستند. سیاست‌هایی که تاکنون اتخاذ شده همان سیاست‌هایی است که در دولت‌های گذشته اصولگرایان دنبال کرده‌اند. کسانی که امروز در مناصب مختلف کشور حضور دارند طرفدار همان سیاست‌ها هستند که امتحان خود را پس داده و مسبب وضعیت موجود جامعه بوده است. نتیجه ادامه این سیاست‌ها این است که امروز مردم ایران با بحران‌ها متعددی مواجه هستند.

آیا بین رویکردهای دولت آقای رئیسی برای حل مشکلات در پیش گرفته‌ها با واقعیت‌های موجود جامعه همخوانی و تناسب وجود دارد؟

بین وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه و تفکراتی که اصولگرایان و دولت دنبال می‌کنند سازگاری وجود ندارد. راه‌حل برای اینکه وضعیت اقتصادی مردم بهتر شود و تحریم‌ها برداشته شود و مدیران کشور بتوانند ایده‌های خود را اجرایی کنند این است که متخصصان و کارشناسانی که امروز به دلایل مختلف در حاشیه قرار گرفته‌اند بتوانند در صحنه حضور پیدا کنند و با کار کارشناسی و تخصصی وضعیت موجود را تغییر بدهند. امروز بسیاری از نخبگان به دلایل مختلف از حضور در عرصه تصمیم‌گیری جامعه محروم شده‌اند و برخی اجازه نمی‌دهند این نیروهای متخصص در مدیریت جامعه نقش‌آفرینی کنند. هنگامی نخبگان و متخصصان می‌توانند در صحنه حضور داشته باشند که شرایط یک انتخابات آزاد در کشور وجود داشته باشد تا گروه‌های مختلف فکری در فضای انتخابات نماینده داشته باشند. بسیاری از افرادی که امروز خانه‌نشین شده‌اند مؤمن به جمهوری اسلامی هستند و در گذشته خدمات ارزشمندی برای نظام و کشور انجام داده‌اند. نباید در تضاد با نخبگان و شایسته‌سالاری باشیم به شکلی که این افراد را محدود کنیم و اجازه ندهیم در عرصه مدیریت جامعه فعالیت داشته باشند. متأسفانه در شرایط کنونی این اتفاق رخ داده است. از سوی دیگر بسیاری از نخبگان کشور نیز به دلیل مشکلات داخلی به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند و هم‌اکنون در خارج زندگی می‌کنند. بدون تردید اگر این نخبگان در داخل کشور حضور داشتند می‌توانستند به حل مشکلات کشور کمک کنند. شاید این افراد با برخی از اصحاب قدرت اختلاف‌سلیقه داشته باشند اما این افراد نسبت به منافع ملی و مردم حساسیت دارند و از همه ظرفیت‌های خود برای تحقق منافع ملی استفاده خواهند کرد.

نگره

سودای بر بادر فتنه‌گردیدور  
هند، اسرائیل، اروپا

حمله حماس، نه تنها مسیر منازعه فلسطین - اسرائیل را تغییر داد بلکه همچنین پوش‌های کل خاورمیانه را نیز دگرگون کرد. این تحول، راهبرد ایالات متحده آمریکا در منطقه را به گل نشاند و همچنین درها را برای حضور بیشتر چین و روسیه باز کرد. در این سه سال، دولت بایدن تلاش داشت از دامنه حضور خود در خاورمیانه بکاهد و به عنوان بخشی از راهبرد «چرخش به آسیا»، بر چین متمرکز شود. برای رسیدن به این منظور، ایالات متحده تلاش داشت تنش‌ها در منطقه را با تسهیل عادی‌سازی روابط عربستان سعودی و اسرائیل و نیز کاهش تنش با ایران «خنک» کند. همچنین امید داشت که نفوذ چین در منطقه را به چالش اندازد و با تأسیس کریدوری که هندوستان، خاورمیانه و اروپا را به هم متصل می‌کرد، نقش هند را تقویت کند. این پروژه، دو بخش داشت: یک کریدور شرقی که هندوستان و کشورهای عربی خلیج فارس را به هم متصل می‌کرد و کریدور شمالی که کشورهای منطقه را از مسیر اردن و اسرائیل به اروپا می‌رساند. این پروژه، دو بخش داشت: یک کریدور شرقی که هندوستان و کشورهای عربی خلیج فارس را به هم متصل می‌کرد و کریدور شمالی که کشورهای منطقه را از مسیر اردن و اسرائیل به اروپا می‌رساند. به ابتکار کمربند و جاده چین، حمله حماس، پایانی ناگهانی بر این طرح‌ها گذاشت. نخست، عملا فرآیند عادی‌سازی میان عربستان و اسرائیل را متوقف کرد. دوم، این حملات همچنین آمریکا را وادار کرد تا سیاست خود برای کاهش حضور نظامی در منطقه را وارونه کند و به بزرگ‌ترین تقویت نظامی در منطقه از زمان جنگ با داعش دست بزند. سوم، تلاش‌های آمریکا برای تنش زدایی با ایران هم به پایان رسید. درست همین یک ماه پیش بود که دو کشور به توافقی برای مبادله زندانیان و آزادی شش میلیارد دلار از دارایی‌های مسدود شده ایران دست یافتند. تحولات هفته گذشته نشان می‌دهد که این تدابیر، پایرجامند. همه این‌ها به این معنات است که آمریکا در معرض ریسک یک جنگ منطقه‌ای دیگر در خاورمیانه قرار دارد. حمله حماس و حملات به غزه اسرائیل، همچنین دولت‌های منطقه را در موقعیت دشواری قرار داد. در یک سوی، آمریکا به متحدان عربش، که برخی شان روابط با اسرائیل را عادی کرده‌اند، فشار آورده تا حماس را محکوم کنند. تنها امارات و بحرین چنین بیانه‌هایی صادر کردند. در دیگر سوی، کشتار غیرنظامیان فلسطینی توسط اسرائیل، افکار عمومی عربی را به خشم آورده و همچنین فشاری را متوجه دولت‌های عربی می‌کند تا در همبستگی با فلسطینیان، گامی بردارند. نشانه‌هایی نیز در دست است که فشار افکار عمومی، رهبران عرب را در مسیر مخالفت با خواسته‌های آمریکا قرار داده است. در حال حاضر، دولت‌های عربی طرفدار آمریکا، با تلاش و سخنرانی‌ها، در تلاش برای خاموش کردن خشم عمومی هستند، اما اگر اسرائیل به یورش مریگارش به غزه ادامه دهد، سخن شعار کفایت نخواهد کرد و آنها مجبور خواهند شد با معکوس کردن عادی‌سازی روابط با اسرائیل، دست به اقدام بزنند که این کار خشم آمریکا را برمی‌انگیزد. بی‌عملی رهبران عربی در حفاظت از فلسطینیان می‌تواند به موج تازه‌ای از بی‌ثباتی منطقه‌ای بینجامد. افکار عمومی عربی از گذشته هم به دلیل ناکامی سیاست‌های اقتصادی به خشم آمده بود و کشتار فلسطینیان هم تنها به شعله و شدن بیشتر این خشم خواهد انجامید. یک بار دیگر، حمایت آمریکا از بی‌رحمی‌های اسرائیل در غزه، در حال تضعیف رژیم‌های عربی است که تحت حمایت آمریکا هستند. ایران نیز خود را در موقعیت دشواری می‌بیند، البته به دلایلی متفاوت. ایران از حمله هفتم اکتبر حماس ستایش کرده در حالی که هر گونه دخالتی در آن را تکذیب کرده است. تهران متحاطانه تلاش می‌کند که وارد یک درگیری مستقیم با اسرائیل یا آمریکا نشود و همزمان از حماس حمایت کند. اسرائیل اعلام کرده که هدفش در غزه، انحلال گروه مقاومت فلسطینی است یعنی تغییر رژیم در این باریکه که موج به موج می‌شود تهران یک متحد مهم را در منطقه از دست بدهد. خالت حزب... هم پیامدهای سنگینی دارد. از این‌ها گذشته، حمایت بی‌قید و شرط آمریکا از اسرائیل در قتل عام فلسطینی‌ها در غزه، جایگاهش در جهان اسلام را نیز بیشتر تضعیف می‌کند و به روسیه و چین فرصت نقش‌آفرینی می‌دهد. به نظر می‌رسد که آمریکا در حال شلیک کردن به پای خود است؛ به جای محدود کردن چین و روسیه در خاورمیانه، به آن‌ها کمک می‌کند تا جایگاهشان را تقویت کنند. واشنگتن همچنین طرح‌های خود برای خاورمیانه را ناکار می‌کند از جمله طرح کریدور اقتصادی خاورمیانه - اروپا. گستره دگرگشی که حمله حماس در پوشش‌های خاورمیانه ایجاد کرده، به توانایی و اراده آمریکا در مهار اسرائیل بستگی دارد. اگر آمریکا بر دولت اسرائیل فشار نگذارد که جنگ غزه را متوقف کند، محاصره آن را بر دارد و گفت‌وگو با فلسطینی‌ها را آغاز کند، چه بسا که کل منطقه شعله و رو شود. یک امکان واقعی وجود دارد که این منازعه گسترش یافته و لبنان، سوریه، یمن و عراق را هم در بر بگیرد و نیز به خیزشی توده‌ای در بقیه جهان عرب بینجامد. این کار نه تنها به اتحاد‌های منطقه‌ای آمریکا آسیب می‌رساند، بلکه همچنین درها را برای دخالت عمیق‌تر روسیه و چین در منطقه باز خواهد کرد.